

قیمت برنج در یک سال ۳ برابر شد

وداع تلخ باپلوی ایرانی



کیمیا ملکی: تا همین یک سال پیش برنج ایرانی هنوز چیزی بود که می‌شد حساب سفره را رویش باز کرد. فروردین ۱۴۰۴ هر کیلو برنج درجه یک ۱۸۰ هزار تومان قیمت داشت و با تمام سختی‌های معیشتی یک پلوی آبرومند ایرانی از خرج نیفتاده بود. اما حالا اعداد چنان رعب آور شده‌اند که تهیه یک کیلو برنج مرغوب برای قشر متوسط هم شبیه خرید یک کالای نیمه‌لوکس است. در اسفند ۱۴۰۴ هر کیلو برنج ایرانی ۴۷۶ هزار تومان و در فروردین ۱۴۰۵ بین ۴۹۳ تا ۵۳۵ هزار تومان معامله می‌شود یعنی جهشی حدود ۱۸۵ درصد فقط در یک سال. همزمان برنج خارجی درجه یک هم از کیلویی ۸۱ هزار تومان به ۲۵۱ تا ۳۰۵ هزار تومان پریده و رشد ۲۴۳ درصدی را ثبت کرده است. این ارقام نه یک بحران گذرا که وداع تدریجی با خوراکی ملی ما را روایت می‌کنند وداعی که نتیجه مستقیم سیاست‌های غلط ارزی، دل‌بازی و بی‌کفایتی در تنظیم بازار است.

برنج خارجی هم تعارف ندارد

هزار و ۶۰۸ تومان به بالای ۳۰ هزار تومان رسید که فقط ۲۵.۳ درصد رشد داشت و برنج تایلندی با ۱.۱ درصد افزایش، ۱۵ هزار و ۸۴۲ تومان قیمت خورده بود. مقایسه آن ارقام با امروز عمق فاجعه را لو می‌دهد. ظرف چند سال قیمت برنج خارجی نه با شیب ملایم که با انفجار به ۱۰ برابر گذشته رسیده است. چنین جهشی یعنی حتی پلوی ساده با برنج خارجی هم در حال خداحافظی از سفره‌های قشر کم‌درآمد است و زنگ خطر گرسنگی پنهان را به صدا درآورده است.

۲۷۷ درصدی را نشان می‌دهد و میانگین این بازه افزایش حدود ۲۴۳ درصدی را ثبت کرده است یعنی برنج خارجی حتی از برنج ایرانی هم تندتر تاخت. به زبان ساده‌تر برنجی که تا پارسال ارزان محسوب می‌شد حالا خودش یک کابوس معیشتی شده و خانواده‌هایی که به آن دل بسته بودند ناگهان با سفره‌ای روبه‌رو شده‌اند که دیگر هیچ پناه ارزانی در آن نیست. جالب آنکه در اردیبهشت ۱۴۰۱ قیمت برنج پاکستانی باساماتی درجه یک از ۲۴

اگر کسی فکر می‌کرد گرانی برنج ایرانی پناهگاه برنج خارجی را پررونق می‌کند حالا باید پیشیمان باشد.

برنج خارجی درجه یک در فروردین ۱۴۰۴ کیلویی ۸۱ هزار تومان قیمت داشت و انتخاب اول طبقات متوسط و روبه‌پایین بود تا با قیمت معقول‌تری شکم خانواده را سیر کنند اما ورق برگشت و اسفند ۱۴۰۴ قیمت این برنج به ۲۴۳ هزار تومان جهید و در فروردین ۱۴۰۵ دامنه آن به ۲۵۱ تا ۳۰۵ هزار تومان رسید. بدترین سناریو رشد

سرعت گیری که پلور از سفره‌ها حذف کرد

نوع برنج	وزن	قیمت (تومان)
برنج طارم هاشمی مازندران نفیس	۱۰ کیلوگرم	۶,۰۰۰,۰۰۰
برنج طارم کشت دوم مزرعه پرآب کناری	۱۰ کیلو گرم	۵,۹۸۰,۰۰۰
برنج طارم ممتاز گلستان مقدار	۲.۲۶ کیلوگرم	۱,۳۴۴,۶۵۰
برنج ایرانی هاشمی کشت دوم مازندران	۱۰ کیلوگرم	۵,۵۰۰,۰۰۰
برنج طارم هاشمی گیلان	۱۰ کیلوگرم	۳,۴۰۰,۰۰۰

نشان می‌دهد که موتور گرانی هنوز خاموش نشده. این رشد افسارگسیخته برنج را از کالای روزمره سفره‌ها به یک گزینه تجملی تبدیل کرده و خانواده‌ها را واداشته تا مصرف برنج را به مهمانی‌ها محدود کنند.

وقتی یک قوت غالب چنین سقوط قیمتی را تجربه کند معنایش این است که سبب غذایی بخش بزرگی از جامعه از یک کالای اصلی تهی شده است.

جالب اینجاست که وزارت جهاد کشاورزی همچنان آمار تولید را رضایت‌بخش اعلام می‌کند اما بازار حرف دیگری می‌زند.

حرفی که در آن قیمت‌ها نه با عرضه و تقاضای واقعی که با ساز نوسان دلار انتظارات تومی و سود کلان دلانان می‌رقصد. این ۱۸۵ درصد یک رکورد تاریخی برای تورم یک‌ساله برنج ایرانی است که عملاً پلور را از تعریف غذای روزانه کم‌درآمدها پاک کرده است.

قیمت برنج در بازار هیچ‌وقت روی خط صاف حرکت نکرده اما آنچه از فروردین ۱۴۰۴ تا امروز رخ داده حتی معیارهای تورمی سال‌های اخیر را هم به تمسخر می‌گیرد.

یک کیلو برنج درجه یک ایرانی در آغاز سال گذشته ۱۸۰ هزار تومان بود رقمی که خودش نسبت به سال‌های قبل جهش پیدا کرده بود ولی همچنان می‌شد با آن کنار آمد. تنها ۱۱ ماه بعد یعنی اسفند ۱۴۰۴ همان برنج ۴۷۶ هزار تومان فروخته می‌شد و در نخستین ماه ۱۴۰۵ کف و سقف آن به ۴۹۳ تا ۵۳۵ هزار تومان رسیده است.

میانگین این بازه حدود ۵۱۴ هزار تومان است که یعنی نسبت به فروردین سال قبل ۱۸۵ درصد گران‌تر شده در واقع هر کیلو برنج ایرانی ۳۳۴ هزار تومان در جیب خریدار آب رفته است.

نکته تلخ‌تر اینجاست که جهش از اسفند به فروردین هم متوقف نشده و فاصله ۴۷۶ هزار تومانی تا ۵۳۵ هزار تومانی

از خواب زمستانی تنظیم گران تا جشن دلانان

هیچکس خبری از کاهش قیمت نمی‌دهد، وزارت جهاد کشاورزی و سازمان حمایت یا غایباند یا بی‌اثر.

در نتیجه بازاری را می‌بینیم که کاملاً رها شده و در آن برنج به ابزاری برای سفته‌بازی تبدیل شده است. گویی متولیان در خواب زمستانی به سر می‌برند و دلانان شبانه‌روز جشن گرفته‌اند. البته این نکته را هم فراموش نکنیم که بخشی از گرانی هم به کاهش سطح زیر کشت و قیمت تمام‌شده تولید داخلی برمی‌گردد که با افزایش هزینه‌های دستمزد، کود و سم و نابسامانی در تامین نهاده‌ها توان رقابت را از کشاورز گرفته است. اما همچنان این سوال وجود دارد که چرا نظارت بر توزیع و قیمت‌گذاری این کالای حیاتی باید تا این حد فاجعه‌بار باشد که مصرف‌کننده قربانی رقابت نانوخته میان تولیدکننده و دلال شود؟

آیا برنج دوباره ارزان می‌شود؟

در نگاه خوش‌بینانه اگر نرخ ارز تثبیت شود و فصل برداشت جدید با افزایش عرضه همراه گردد شاید تب برنج کمی فروکش کند اما واقعیت‌های اقتصاد ایران خلاف این خوش‌بینی را می‌گوید. تورم انتظاری، کسری بودجه، رشد نقدینگی و... همه دست به دست هم داده‌اند تا ریال همچنان در سرانحسب سقوط بماند. با توجه به آمار موجود از قیمت برنج در فروردین ۱۴۰۵ قیمت‌ها در دامنه ۴۹۳ تا ۵۳۵ هزار تومان تا همین لحظه که به نیمه خرداد نزدیک می‌شویم، جا خوش کرده‌اند یعنی هیچ نشانه‌ای از کاهش نیست. حتی اگر دولت دست به تزریق برنج ذخیره‌سازی شده بزند با این حجم از نابسامانی تأثیر آن مقطعی خواهد بود و دلال‌ها باز هم راه خود را پیدا می‌کنند. تجربه سال‌های اخیر ثابت کرده که هر گاه قیمت‌ها به دلیل عرضه موقت پایین بیاید بعد از مدت کوتاهی با یک پرش جدید جبران می‌شود. فعالان بازار می‌گویند تا وقتی دلار در محدوده بالای ۱۰۰ هزار تومان نوسان دارد برنج ایرانی زیر ۴۰۰ هزار تومان رویایی بیش نیست و برنج خارجی هم به سختی زیر ۲۰۰ هزار تومان بازمی‌گردد. به این معادله تغییرات اقلیمی و خشکسالی‌هایی که تولید داخلی را تهدید می‌کند را هم اضافه کنید آن وقت تصویری از سال‌های آینده خواهید داشت که در آن پلوی ارزان برای نسل‌های بعدی تبدیل به قصه‌ای تاریخی می‌شود. این زنگ خطر برای امنیت غذایی کشور باید بلندتر از اینها به صدا درآید.

تأثیر بر سفره‌ها

با حداقل دستمزد کارگران که در سال ۱۴۰۴ حدود ۱۰ تا ۱۱ میلیون تومان بود قیمت ۵۳۵ هزار تومانی هر کیلو برنج ایرانی یعنی نزدیک به ۵ درصد از کل درآمد یک کارگر فقط برای یک کیلو برنج آب می‌رود. اگر یک خانواده چهار نفره، حتی هفته‌ای ۲ بار پلو بخواد، هزینه ماهانه برنج به تنهایی بخش قابل توجهی از بودجه خوراک را می‌بلعد. در نتیجه پلو از سفره‌های معمولی حذف می‌شود و فقط در مراسم و مهمانی‌های خاص خودنمایی می‌کند. بسیاری از خانواده‌ها حالا به ناچار به سمت مصرف نان و غذاهای بدون برنج گرایش پیدا کرده‌اند یا برنج را با مواد حجیم‌کننده مانند رشته و حبوبات مخلوط می‌کنند تا حجم آن بیشتر شود. این تغییر الگوی مصرف نشانه‌ای از کاهش شدید قدرت خرید و کیفیت زندگی است. وقتی یک کالای اساسی با چنین شبیهی از دسترس خارج می‌شود دولت دیگر نمی‌تواند با تکرار وعده‌های بی‌سرانجام افکار عمومی را به سمتی دیگر ببرد تا حواس آن‌ها از این افزایش قیمت‌ها پرت شود. مردم با چشم خود می‌بینند که هر ماه رقم روی پرچسب قیمت‌ها بزرگ‌تر می‌شود و جیبشان کوچک‌تر. آنچه امروز در بازار برنج می‌گذرد نه فقط یک تورم ساده که یک زلزله معیشتی است که اعتماد عمومی به نظام توزیع و تنظیم بازار را زیر آوار برده است.

سخن پایانی

برنج روزگاری شناسنامه سفره ایرانی بود از مجالس عروسی تا نذری‌های محرم و قرمه‌سبزی‌های هفتگی اما تورم عجیب یک سال اخیر این شناسنامه را پاره کرده و به جای آن یک برگه غم‌انگیز از حسرت روی میزها گذاشته است.

جهش ۱۸۵ درصدی برنج ایرانی و ۲۴۳ درصدی برنج خارجی فریاد بی‌صدای امنیت غذایی از دست‌رفته هستند. اگر دولت همین امروز اراده‌ای برای مهار بازار نشان ندهند باید با پدیده‌ای به نام فقر پنهان برنجی کنار بیاییم جایی که میلیون‌ها ایرانی پای ثابت سوءتغذیه می‌شوند. این گزارش یک تلنگر است برای کسانی که هنوز پشت میزهایشان نشسته‌اند و تصور می‌کنند با بیانیه می‌شود تورم را شکست. سفره‌های مردم تاب این همه شوک را ندارد. وقت آن است که یا تنظیم واقعی بازار اتفاق بیفتد یا رسماً اعلام کنند که پلو دیگر غذای سفره ایرانی‌ها نیست.

